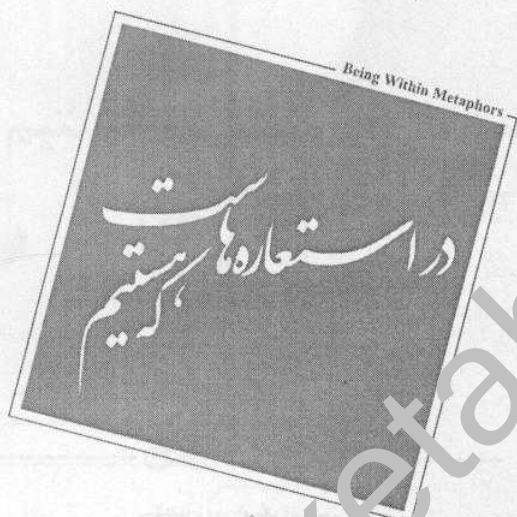




نویسنده:

مریم قهرمانی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



رمانی، مریم.	رسانه
د. استعاره هاست که هستیم / مریم قهرمانی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: سرو نوین، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۲۶۶ ص. - مریم.	مشخصات ظاهری
۳۰-۱ ۶۷۸-۶۰۰-۷۰۱	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. ۲۳۷	یادداشت
نمایه.	یادداشت
فلسفه زبان.	موضوع
استماره.	موضوع
BF ۱۰۹/۸ ق ۹۱۳۹۵	رده بندی کنگره
۱۵۰/۱۹۵۰۹۲	رده بندی دیویی
۴۲۴۹۶۲۰	شماره کتابشناسی ملی



در استعاره‌هاست که هستیم

Being Within Metaphors

نام نویسنده: مریم قهرمانی

تألیف: لراح جلد، گرافیک، صفحه‌آرایی و ناظر فنی چاپ: محمد محرابی

www.mehraabi.com / 09125169754

ناشر: نشر نویسه پارسی

مترادفات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۶۶

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۹۵۷۱۰

سالنامه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.nevees.com

نوبت چاپ: ۱۳۰۵

شمارگان: ۱۲۰۰

شاپک: ۹۱۰۶۰۰۰۳۰۳۰۱

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۲۳۰۰۰ توم

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسی» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر گونه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۷	فصل اول
۹	استعاره و خوشنودی‌هایش
۱۱	مقدمه
۱۵	نظم‌های لکان
۱۹	نظم نظم
۲۱	نظم نمادین
۲۲	استعاره پدر
۳۰	دیگری
۳۳	نظم واقع
۳۹	میل
۴۰	از لکان چه می‌خواهیم؟
۴۴	فالوس بنامیم یا ابره کوچک a
۵۷	نابسنندگی‌های امر تصویری
۶۴	درک دیگری بواسطه درک بصری
۶۷	من، آینه دیگری است.
	استعاره دیگری بزرگ
	ناخودآگاه
۷۳	فصل دوم
۷۵	چرا امر واقع قلمرو ناممکن است؟
۷۹	مقدمه
	فیزیک و امر واقع

صفحه	عنوان
۸۰	جهان زیراتمی
۱۰۹	نسبیت خاص و عام
۱۱۹	نظریه همه چیز
۱۲۱	ماده تاریک
۱۲۴	نظریه آبرتار
۱۳۰	سپهبد و امر واقع
	فصل سوم
۱۴۳	استعاره، از تولد مرگ
۱۴۵	مقدمه
۱۴۵	تولد استعاره
۱۵۰	نیچه و استعاره
۱۵۹	مرگ استعاره
	فصل چهارم
۱۶۱	هستندگی در استعاره‌ها
۱۶۳	مقدمه
۱۶۵	نخستین استعاره‌ها
۱۸۴	استعاره زمان
۱۹۶	نظم استعاری
۱۹۹	رویاورزی در استعاره‌ها
۲۲۶	استعاره‌بازی
۲۳۳	استعاره‌های بازیگوش
۲۳۵	سخن آخر
۲۳۷	منابع
۲۵۳	نماینه

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۹	تصویر ۱-۱: بدون شرح
۱۰	تصویر ۲-۱: بدون شرح
۱۵	تصویر ۳-۱: لکان در نامه‌ای، برهم‌کنش نظم‌های سه‌گانه را بواسطه حلقه‌های برومه تصویر کرد است.
۲۴	تصویر ۴-۱: دوار موبیوس، درون، ادامه بیرون و بیرون، ادامه درون است.
۲۵	تصویر ۵-۱: پیچ
۶۶	تصویر ۶-۱: ریلنس در نما، در دورافتاده
۷۰	تصویر ۷-۱: نمایی از فدا، سنگ آتشی - لوئیس بونونلی
۷۶	تصویر ۱-۲: طرح‌های منظره در اثر امواج صوتی شکل گرفته‌اند.
۷۸	تصویر ۲-۲: سرخپوستان ویشو
۸۴	تصویر ۳-۲: در سطح زیرآبی، ذره و جهی، گانه دارد و گاه به شکل ذره و گاه به شکل موج نمود پیدا می‌کند و هیچ قطعیتی در حلقه آتشی به شکل ذره با وج، وجود ندارد.
۸۶	تصویر ۴-۲: تونل (دالان) کوانتومی
۸۹	تصویر ۵-۲: اینشتین و بور در سال ۱۹۲۷، در کنفرانس سلوی، اختلاف نظرهای کوانتومی‌شان را به مناظره گذاشتند. بور در این مناظرات، همه تائید را می‌کند که نشان دهد آنچه دیده‌اند، نه ناقص بوده و نه اشتباه.
۱۰۲	تصویر ۶-۲: پیاده‌سازی آزمایش فرضی گربه شرودینگر در تفسیر جهان‌های موازی
۱۰۳	تصویر ۷-۲: احتمالات ممکن در جهان چندشاخه
۱۰۷	تصویر ۸-۲: نمونه‌هایی از مجموعه عکس دیتا پیه
۱۰۸	تصویر ۹-۲: سه موزیسین - پاپلو پیکاسو
۱۱۰	تصویر ۱۰-۲: جرم اجسام، سبب انحناء فضا-زمان پیرامون‌شان می‌شود.
۱۱۲	تصویر ۱۱-۲: مقایسه میزان انحناء فضا-زمان پیرامون زمین و یک سیاه‌چاله
۱۱۸	تصویر ۱۲-۲: در جهان زیرآبی، هر مرگی، به آفرینش چندپاره‌ای می‌انجامد.
۱۲۴	تصویر ۱۳-۲: تارهای بسته و باز
۱۲۵	تصویر ۱۴-۲: الگوهای فرضی ارتعاش

صفحه	عنوان
۱۷۳	تصویر ۱-۴: پل بودز آر در پاریس
۱۷۴	تصویر ۲-۴: آنین گره‌زدن سبزه در سیزدهمین روز بهار
۱۸۳	تصویر ۳-۴: استعاره شیوا
۱۹۵	تصویر ۴-۴: استعاره زمان به مثابه شیء متحرک
۲۲۷	تصویر ۵-۴: بازی تخیلی
۲۲۸	تصویر ۶-۴: بازی نمادین
۲۲۸	تصویر ۷-۴: بازی تقلیدی
۲۲۹	تصویر ۸-۴: بازی بدون کشتار
۲۳۱	تصویر ۹-۴: جنگ بدون کشتار

پیشگفتار

از استعاره گفتن به زمانی دور بازمی‌گردد. چگونه گفتن از استعاره، اما، متأثر از تفکر فلسفی حاکم بر دوران‌ها، از زمانی به زمانی متفاوت بوده است. دیگر گذشته است دورانی که استعاره را آرایه‌ای زینتی به حساب می‌آوردیم. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیش از گذشته خود را در معرض استعاره می‌یابد و می‌داند نسبت بنیادین ری با آن دارد.

«در استعاره‌هاست که هستیم» با خوانشی نیچه‌ای از آراء لکان، به مسئله استعاره و نسبت آن با انسانگی پرداخته است. آنچه نیچه به مثابه امر نمادین لکانی می‌شناسد، زبان و استعاره و آنچه به مثابه واقع می‌شناسد، ماهیت اشیاء است. نیچه زبان را ماهیتاً استعاری می‌بیند و این را واقع‌ای میان انسان و جهان تلقی می‌کند. از این رو، امر نمادین لکان، از نگاه نیچه، ماهیتاً هم‌بافته از استعاره‌هاست. نیچه نیز همچون لکان بر این باور است که گریز از استعاره و زبان ممکن نیست و انسان راهی جز به سر بردن در زبان ندارد. نیچه ساختار شناخت انسان را از نسبت‌های استعاری با جهان می‌شناسد و کار انسان را شبیه‌سازی جهان به خود می‌داند. این کتاب در تلاش است به بسط آنچه نیچه درباره زبان و استعاره گفته است. بردازد و میان آنچه نیچه و لکان می‌گویند، پل بزند. همچنین، کتاب، در پی ارائه آراء نیچه و در توضیح ناممکنی واقع لکان، مروری بر یافته‌های نظریه‌های کوانتوم نسبت داشته و در پی پاسخگویی به این سوال بوده است: چرا امر واقع قلمرو ناممکن است؟

اشاره به نکته‌ای در ارتباط با ساختمان کتاب، ضروری می‌نماید. کتاب از چهار فصل، چهارده بخش و شانزده زیربخش تشکیل شده است. هر فصل کتاب، بر طرح یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای اختصاص یافته است که در پیوند تنگاتنگ با هم، به بسط هسته اصلی بحث پرداخته‌اند. عدم توجه به هر جزء این ساختمان در فرایند خوانش، سبب خواهد شد ارتباط میان مباحث و استدلال‌ها گم شود و بحث به سرانجام

مطلوبی نیا نجامد. مباحث مطرح شده در فصول یک تا سه، ارتباطی منطقی و حساب شده را دنبال می‌کنند که در فصل چهارم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌رسد. از این رو شایسته است خوانش کتاب نیز با این چیدمان همگام باشد و به این شکل نباشد که بخشی خوانده شده و بخشی رها شود؛ یا بخش‌ها پس‌پیش خوانده شوند. در این صورت است که مخاطب می‌تواند ارتباط میان مباحث مطرح شده را به شکل مطلوب‌تری دنبال کند. لازم است کتاب از آغاز خوانده شود. چراکه مباحثی که در پی هم آمده‌اند، به نحوی ارانه شده‌اند که درک مقصود هر بخش، در گرو بخش‌ها و فصل‌های پیش از خود است.

در فرایند نگارش کتاب، تمام تلاش‌ها را کرده‌ام تا پانویس‌ها را به حداقل برسانم و هر آنچه در بدگاه من هستم را در درون متن بگنجانم؛ اما ناگزیر بوده‌ام مواردی را در پانویس مطرح کنم. بخش پانویس‌ها، در حاشیه موضوع مورد بحث مطرح شده‌اند و ضرورتی در ارجاع ندارند. احساس شده است. بخش دیگر پانویس‌ها، ارجاع به معادل‌های لاتین اصطلاحات و اسامی داشته‌اند. این ارجاعات از آن جهت بکار رفته که مخاطبان را در جستجوی اطلاعات بیشتر پیرامون موضوع مورد بحث یاری کنند. بخش دیگر، از آن رو به متن اضافه شده که بتواند ارتباط میان مباحث پیشین و پسین را برقرار نگاه دارد و پیوسته مخاطب را به مباحث مرتبط با موضوع مورد بحث قبل و بعد از خود ارجاع دهد.

به مسئله دیگری باید اشاره کنم. در بخش‌هایی از کتاب، برای ذکر منابع مورد ارجاع، موانعی پیش‌رو بوده است. به طور مثال در فصول اول، دوم و سوم، ای پرداخت به کلیت بحث، خوانشی از چندین منبع صورت گرفته؛ به گونه‌ای که تک و تک منابع، امکان‌پذیر نبوده است. در موارد اینچنین، ناگزیر بوده‌ام منابع تلفیقی را در ابتدای فصل (یا بخش) ارانه بدهم و همه آنچه در پی می‌آید را در ارتباط با آنها مطرح کنم. البته در مواردی که ارجاع به نام و اثر خاصی مدنظر بوده، تابع روند معمول ارجاع‌دهی بوده‌ام.

موضوع دیگری که لازم است درباره آن توضیح دهم ترجمه نام‌های خاص است. تمام تلاش‌م را کرده‌ام که ترجمه‌ای مناسب از نام‌هایی ارائه بدهم که کاربرد آنها در زبان فارسی رایج نبوده است. در چنین مواردی ترجیح‌م بر نزدیک ساختن انتخاب مقصد به نام مبدأ بوده است؛ البته تا جایی که انتخاب مقصد در زبان فارسی نامأنوس جلوه نکند. برای این منظور از امکان‌های مجازی و واژه‌نامه نام‌های خاص استفاده کرده‌ام. با تمام این‌ها، در برخی موارد ناگزیر بوده‌ام انتخابی بر مبنای حدس و گمان داشته باشم. امیدوارم این انتخاب‌ها چندان از نام‌های مبدأ دور نباشند. در تلاش خواهم بود در ویراست‌های آتی، سائل احتمالی مرتبط با ترجمه نام‌های خاص را برطرف کنم. در برخی موارد بهتر است نام بر انتخاب‌های موجود در زبان فارسی متکی نبوده و انتخابی نزدیک به نام مبدأ داشته باشم. به طور مثال از نام Zoltan Kovecses در زبان فارسی چندین ترجمه مسدود شده است؛ از جمله کووکسس و کووچس، اما بر مبنای اطلاعات بارگذاری شده در فضای مجازی، به نظر می‌رسد انتخاب کووچس مناسب‌ترین باشد. همچنین نام Gian Pizzolatti به جیاکوموریزولاتی ترجمه شده است. در اینجا، انتخاب جاکوموریتسولاتی را ترجیح داده‌ام. در موارد مشابه نیز به همین صورت عمل کرده‌ام.

طی بحث، به ترکیبات گوناگون «واقع» ارجاع داده‌ام. به طور مثال در جایی گفته‌ام «واقع‌ان» یا در جای دیگری «واقع‌ی» یا «واقع‌ش». در بکار بر این چند نکته سعی داشته‌ام تفاوت میان «واقعیت» و «واقع» را حفظ کنم. این تفاوت‌ها حائز اهمیت است و برای تأکید بر این تفاوت، گزینش عباراتی از این دست راهگشا بوده است. به علاوه، تأکید بر تمایز میان «دیگری بزرگِ خط‌خورده» و «دیگری بزرگِ واقع»، در مواقع لازم، در بازنمایی صوری این دو عبارت، از چسباندن «ی» به انتهای «دیگری بزرگِ واقع» اجتناب کرده و آن را به صورت «دیگری بزرگی» آورده‌ام. در این تمایز، تأکیدم بر غیرقابل جذب‌بودگی و خط‌ناخوردگی دیگری بزرگِ واقع بوده است. در مواردی که به

دیگری بزرگ خط‌خورده ارجاع داشته‌ام، از ترکیب «دیگری بزرگی» استفاده کرده‌ام. تمایز میان این دو دیگری، در فصل یک شرح داده شده است.

به مسئله دیگری باید اشاره کنم. ممکن است برای مخاطبان این سوال پیش بیاید که چرا پرداخت به مقوله مجاز را از بحث کنار گذاشته و تنها بر استعاره متمرکز بوده‌ام؛ بویژه زمانی که دارم درباره روایا می‌گویم. در توضیح این مسئله باید بگویم در این که مجاز از همراهان همواره استعاره است، تردیدی ندارم. ذهنیت اندیشه‌ورز انسان، در سطر و راهبرد استعاره و مجاز است که خود را بر جهان می‌تاباند. به گونه‌ای که می‌توانیم از ترکیب استعاره مجاز^۱ برای این همراهی همواره استفاده کنیم.

اما این استعاره موقعیتی محوری در بحثم اتخاذ کرده، به دلیل نقش اساسی آن در انسانگی است. نقش آن البته در بسیاری موارد با همراهی مجاز به انجام می‌رسد. از این رو باید براین استدلال تأکید کنم که عدم پرداخت به مجاز، به هیچ عنوان اهمیت آن را ناچیز نهموده است. رکن استعاره در این بحث، در جهت توضیح حرکت دوار انسانی از دالی به دالی بوده است؛^۲ ال‌های که جانشین‌های استعاری غیاب بزرگ بوده‌اند. در آنچه پیش‌رو داریم، متأسفانه از مرکزیت بخشیدن به استعاره، برای مخاطبان روشن‌تر خواهد شد. همین قدر کافی است بگویم جایگاه مجاز در بحثی که مطرح کرده‌ام، به اندازه استعاره با اهمیت بوده است.

در انتها باید به خبر خوبی که در حین نگارش کتاب در دستم افتاد اشاره کنم. نگارش بخش فیزیک و امر واقع، مصادف بود با صدسالگی نسبیت عام اینشتین. این مسئله سبب شده بود از هر سو درباره اینشتین و نسبیت عامش بشنوم. در اردیبهشت ۲۰۱۶ که نگارش کتاب، مراحل پایانی را پشت سرمی‌گذاشت، مهر تازه‌ای بر نظریه نسبیت عام ازانده شد و امواج گرانشی^۳ که اینشتین یک قرن پیش آنها را

^۱ Metaphoronymy: اصطلاحی است که لوئیس گوستن (۱۹۹۰)، برای توضیح حضور درهم‌تنیده استعاره

و مجاز ابداع کرده است.

^۲ Gravitational Waves

پیش‌بینی کرده بود، در رصدخانه لایگو^۳ آشکارسازی شدند. این رخداد، از مهم‌ترین رویدادهای علمی چند دهه اخیر به شمار رفت و به یکی از نقاط عطف تاریخ علم بدل شد و دریچه‌ای تازه به سوی درک جهان گشود و آینده‌ای امیدبخش را برای مطالعات کیهان‌شناختی رقم زد. در میان انبوه خبرهای مایوس‌کننده این روزهای جهان، این خبر، برای علاقمندان نظریه نسبیت عام و مطالعات کیهان‌شناختی، خبر خوشنودکننده‌ای بود. و بجز اینکه، آنچه در پی خواهد آمد، به سوی گفتگوی با شما باز است. با نقدها و پیشنهادها می‌توانید راه پیش‌رو را برایش هموار کنید.

خرداد ۱۳۹۵